



... و آنگاه رزمندگان قلم به دست گرفتند

مصاحبه با مرتضی سرهنگی

اشاره

دفتر ادبیات و هنر مقاومت آذرماه سال ۱۳۶۷ در حوزه هنری کار خود را از یک اتاق کوچک شروع کرد. هدف این دفتر که چند ماه پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ کار خود را آغاز کرد گردآوری و تدوین آثار ادبی و هنری به جای مانده از دوران دفاع هشت ساله است.

ادبیات و هنر جنگ در کشورهای که ابرهای خونریز نبردهای ملی و دینی را در پهنه آسمان خود دیده اند، از احترام ویژه ای برخوردار است. ملتها به این ادبیات به چشم یک گنجینه زوال ناپذیر نگاه می کنند زیرا به قیمت گزافی آن را به دست می آورند. تلاش برای گردآوری و تدوین این آثار ارزشمند همواره از یک پشتوانه غنی ملی برخوردار بوده و ملتها ترجیح می دهند که قهرمانان ملی خود را از میان کسانی برگزینند و برای نسل های آینده خود الگو قرار دهند که زخمی از یک جنگ سرنوشت ساز بر سینه داشته باشد. چهره مردانه این قهرمانان وقتی از میان دود و غبار میدانهای نبرد پدیدار می شود که بر صفحات کتاب راه یابد. این قهرمانان همان طور که مرزهای آرمانی و جغرافیایی ملت و میهن خود را حفظ می کنند آثارشان نیز نگهدارنده مرزهای ادبی و هنری در برابر تهاجم آثار بیگانگان است. آثار ادبی و هنری جنگ به لحاظ دارا بودن ابعاد قوی انسانی همواره یک اثر بی مرز شناخته شده و مطالعه و تحقیق آن برای ملت های دیگر گیرا و آموزنده است.

حوزه هنری که شانه های خود را زیر بار رسالت ادبی و هنری دو تحول بزرگ کشورمان - انقلاب و جنگ - می بیند با روشن کردن چراغ دفتر ادبیات و هنر مقاومت آن هم در شرایط سیاسی - اجتماعی ماههای بعد از پذیرش قطعنامه گامهای متعهد و مصمم خود را برای تحقق بخشیدن به ادبیات و هنر دفاع هشت ساله مان برمی دارد. مرتضی سرهنگی و هدایت الله بهبودی از روشن کنندگان اصلی و مصمم این چراغ روشنی بخش اند. مصاحبه ای که در ذیل می خوانید گزارشی است کوتاه از دفتر ادبیات و هنر مقاومت به روایت مرتضی سرهنگی مسؤول دفتر ادبیات و هنر مقاومت.

بخش مصاحبه و گزارش

■ با این سؤال شروع کنیم که تعبیر شما از ادبیات مقاومت چیست؟

○ ادبیات مقاومت ما سهمی از ادبیات است که می خواهد رویدادهای سرنوشت ساز ملتها را مطرح کند. مبارزات توده مردم علیه هر عاملی که ایده آلهای و ارزشهای آنان را تهدید می کند بستر تولد ادبیات مقاومت است. امروز این ادبیات چنان با زندگی اجتماعی ملتها آمیخته است که گویی ادبیات در جهان چیزی جز مقاومت نبوده و نیست.

■ آیا منظور از ادبیات مقاومت، تنها جنگ عراق علیه ایران است؟

○ چراغ دفتر در ابتدا به همین منظور روشن شد. اما وقتی این دفتر سالمندتر شد و استخوان ترکانند، پای به آن سوی مرزها هم گذاشتیم.

تا امروز برخی از آثار مقاومت افغانستان، بوسنی، یونان، فرانسه و آفریقا را چاپ کرده ایم برخی نیز زیر چاپ است.

■ آیا ادبیات انقلاب اسلامی به یک معنی جزو ادبیات مقاومت به شمار نمی آید؟

○ چرا! به شمار می آید. اگر تیرها شده انقلاب را پانزده خرداد ۱۳۴۲ بدانیم که در بهمن ماه ۱۳۵۷ به هدف اصابت کرد، تا امروز سی و پنج سال مبارزه پشت ادبیات انقلاب لنگر انداخته است. انقلاب و جنگ هر دو مبدأ تاریخند. ادبیات چطور جرأت می کند در این تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی سهم نباشد!

■ چه کارهای اساسی در زمینه ادبیات جنگ در کشور انجام شده است؟

○ ادبیات جنگ سن و سالی ندارد. کارهای پراکنده ای که انجام می شود، بیشتر از دردمندی و دلسوزی مایه می گیرد تا تکلیف اداری و دولتی. اگر طناب این «درد» به بودجه دولتی گره بخورد (نه به تکلیف آن) به قله های بلندی می توان صعود کرد.

■ تشکیل و پیدایش این دفتر چگونه بود؟
○ وقتی قطعنامه پذیرفته شد و مردان میدانهای نبرد به شهرهای خود بازگشتند، در اتاق

کوچکی که حوزه هنری چراغ آن را برای آقای بهبودی و من روشن کرده بود، اولین صفحات این دفتر نوشته شد.

■ در بخش داستان تاکنون چه کرده اید؟
○ از کارهایی که کرده ایم راضی نیستیم. توجه ما بیشتر به گردآوری و تدوین خاطرات روزهای جنگ بوده است، زیرا به این آثار به چشم منابعی نگاه می کنیم که برای همیشه محل رجوع داستان نویسان و محققان خواهد بود.

از دو سال پیش به گونه ای جدی تر به مبحث داستان جنگ پرداخته ایم. به ویژه درباره رمان جنگ که شاید امسال شاهد چاپ دو یا سه رمان خواندنی باشیم. از شما چه پنهان درباره داستان جنگ قدمهایمان را کمی با احتیاط برمی داریم.

■ در بخش داستانی بیشتر داستان کوتاه مطرح بوده یا رمان و داستان بلند؟ چرا؟

○ هر دو گونه برای ما مطرح بوده است. می گویند داستان انتقال «حسی» است که تجربه شده است. باید در انتظار «انتقال» صحیح آن نشست. قلمهایی که توان این انتقال را داشته باشند زیاد نیستند.

■ «جنگ و صلح» ادبیات مقاومت ما چه زمانی نوشته خواهد شد؟

○ آثار بزرگ را مردان و زنان بزرگ خلق می کنند. نویسندگان موفق جنگی که آثاری جاودان به یادگار گذاشته اند، از میدانهای نبرد دور نبوده اند و همه بزرگان بوی باروت را می شناسند و رگهای گشوده انسانها را دیده اند. تولستوی افسر توپخانه بود. اریش ماریا مارک با اونیفورم سربازی در ارتش آلمان خدمت می کرد. آندره مالرو، همینگوی، مالاپارته، چنگیز آیتماوف، ویکتور هوگو، شولوخوف و... هر یک به گونه ای درگیر جنگ بودند. یادداشتهای روزانه ویکتور هوگو از محاصره شانزده هفته ای پاریس از جذابترین آثار جنگی است که دفتر ما آن را ترجمه کرده است و این کتاب اکنون در نوبت چاپ است. برای دیدن چهره بزرگان ادبیات جنگ حداقل یک دهه پیش رو داریم. نسلی که گمنام از جامعه جنگی بازگشته، امروز به جامعه ادبی ما پیوسته است.

